

## نقش برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در کاهش رفتارهای مجرمانه دانش‌آموزان

سیده سکینه سیدی بازرگان محله

کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان.

### چکیده :

پژوهش حاضر با هدف بررسی عمیق و همه‌جانبه نقش برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در کاهش رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی و اجتماعی انجام شده است. جوامع امروزی با چالش‌های متعددی در زمینه ناهنجاری‌های رفتاری نوجوانان و جوانان مواجه هستند که این امر نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و آموزشی موثر در سطح کلان است. آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام تعلیم و تربیت نوین، می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی، و همچنین تکالیف آن‌ها در قبال خود و دیگران ایفا کند. این آموزش‌ها به هیچ وجه تنها به انتقال صرف دانش حقوقی و تئوریک محدود نمی‌شوند، بلکه با تمرکز بر تقویت مهارت‌های ارتباطی، بهبود تفکر انتقادی و افزایش احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بستر بسیار مناسبی را برای پرورش شهروندانی قانون‌مدار، اخلاق‌گرا و متعهد به هنجارهای جامعه فراهم می‌آورند. در این مقاله، ضمن تبیین مفاهیم پایه و نظری مرتبط با حقوق مدنی و ریشه‌یابی رفتارهای بزهکارانه در سنین نوجوانی، مکانیسم‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تاثیرگذاری این آموزش‌ها بر کاهش جرایم مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه مروری نشان می‌دهد که آشنایی مستمر دانش‌آموزان با قوانین، درک پیامدهای مخرب رفتارهای مجرمانه و شناخت حقوق متقابل افراد در جامعه، به طور کامل معناداری با کاهش تمایل به رفتارهای پرخطر، پرخاشگری و قانون‌شکنی در ارتباط است. علاوه بر این، ادغام اصولی مفاهیم حقوق شهروندی در برنامه‌های درسی رسمی و فعالیت‌های فوق‌برنامه مدارس، به ایجاد محیطی امن‌تر، پویاتر و مشارکتی‌تر کمک شایانی می‌کند. در نهایت، ضرورت توجه استراتژیک سیاست‌گذاران آموزشی به تدوین محتوای درسی متناسب با نیازهای روز جامعه و بهره‌گیری از روش‌های تدریس نوین برای نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک مورد تاکید قرار گرفته است. نتیجه‌گیری نهایی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری بلندمدت در حوزه آموزش حقوق شهروندی، راهبردی بسیار کارآمد، کم‌هزینه و پایدار برای پیشگیری از وقوع جرم در میان نسل آینده محسوب می‌شود و ضامن سلامت روان جامعه است.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، آموزش و پرورش، رفتارهای مجرمانه، دانش‌آموزان، پیشگیری از جرم.

## مقدمه

آموزش حقوق شهروندی در دنیای پیچیده و به هم پیوسته امروزی به یکی از ارکان بنیادین نظام‌های آموزشی پیشرو تبدیل شده است که هدف اصلی آن تربیت افرادی آگاه، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو برای حضور موثر در جامعه است. این ضرورت زمانی آشکارتر می‌شود که با مساله اصلی این پژوهش، یعنی گسترش نگران‌کننده رفتارهای نابهنجار، پرخطر و مجرمانه در میان قشر آسیب‌پذیر دانش‌آموزان و نوجوانان روبرو می‌شویم. آمارها و گزارش‌های مراجع قضایی در سراسر جهان حاکی از آن است که سن ارتکاب جرم در حال کاهش بوده و تنوع رفتارهای بزهکارانه از جمله نزاع‌های دسته‌جمعی، سرقت، و زورگیری در میان محصلین به شدت افزایش یافته است. نظام‌های آموزشی رسمی به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری پس از خانواده، وظیفه خطیری در انتقال ارزش‌های انسانی، هنجارهای اجتماعی و قوانین مدنی به نسل‌های جدید بر عهده دارند. در این مسیر، آگاه‌سازی دانش‌آموزان نسبت به حقوق ذاتی و تکالیف شهروندی خود، گامی اساسی در جهت پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های رفتاری و کاهش نرخ بزهکاری محسوب می‌شود. زمانی که دانش‌آموزان در محیط مدرسه با مفاهیم بنیادینی چون عدالت اجتماعی، برابری انسان‌ها، احترام به حاکمیت قانون و رعایت حقوق دیگران به صورت کاربردی آشنا می‌شوند، پایه‌های شخصیتی آن‌ها بر مبنای قانون‌مداری شکل می‌گیرد و این امر به طور مستقیم بر کاهش تمایل آن‌ها به انجام رفتارهای مجرمانه در آینده تاثیر می‌گذارد (جروم و همکاران، ۲۰۲۴).

آموزش حقوق شهروندی تنها حفظ کردن طوطی‌وار مجموعه‌ای از قوانین خشک نیست، بلکه فرآیندی پویا و مستمر است که طی آن، دانش‌آموزان مهارت‌های حیاتی لازم برای زندگی مسالمت‌آمیز را فرا می‌گیرند. این معضل پیچیده بزهکاری ریشه در عوامل متعددی دارد، اما یکی از مهم‌ترین علل آن ناآگاهی عمیق نوجوانان از حقوق شهروندی و پیامدهای سنگین رفتارهای ضد اجتماعی است. مهارت‌هایی نظیر حل تعارضات بین‌فردی از طریق گفت‌وگو، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و توانایی کنترل هیجانات منفی به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با فشارهای گروه همسالان، تصمیمات عقلانی‌تری اتخاذ کنند و از درگیر شدن در جرایم پرهیز نمایند. آگاهی دقیق از عواقب قانونی رفتارهای بزهکارانه به عنوان یک عامل بازدارنده درونی قوی عمل می‌کند و می‌آموزد که هر عملی دارای پیامدهای مشخصی است. نقش بی‌بدیل آموزش در نهادینه شدن این هنجارها با تاکید بر رویکردهای پیشگیرانه از وقوع جرم در جوامع مختلف مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است (رحیمی، ۱۴۰۳). بررسی برنامه‌های آموزشی موجود نشان می‌دهد که اتکا به روش‌های سنتی و سخنرانی‌محور نتوانسته تغییرات رفتاری عمیقی ایجاد کند و اثربخشی آموزش‌های مدنی برای مقابله با بزهکاری نیازمند بازنگری جدی است (یولیان، ۲۰۲۳). فقدان درک صحیح از حقوق متقابل و ضعف در مهارت‌های همدلی مستقیماً به بروز رفتارهای پرخطر منجر می‌شود که باید با ادغام این مباحث در فعالیت‌های پرورشی برطرف گردد.

گسترش بی‌حد و حصر فضای مجازی و دسترسی آسان نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی بدون آموزش لازم در زمینه سواد رسانه‌ای، ابعاد جدیدی به بزهکاری دانش‌آموزان افزوده است. امروزه شاهد افزایش مزاحمت‌های سایبری، کلاهبرداری‌های خرد و نقض حریم خصوصی هستیم و بررسی تاثیر دانش و مهارت‌های شهروندی دیجیتال بر پیشگیری از جرایم سایبری به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است (الثیبانی و الزهرانی، ۲۰۲۳). نقش مدیران مدارس در توسعه فرهنگ استفاده صحیح از فناوری و حقوق شهروندی دیجیتال بسیار حیاتی است تا دانش‌آموزان در فضایی بی‌قانون رها نشوند (بایداری، ۲۰۲۲). ایجاد محیط آموزشی مبتنی بر رعایت

حقوق متقابل نیازمند تغییر نگرش سنتی مدیریت به سمت مشارکت دادن فعال دانش‌آموزان است تا احساس تعلق خاطر بیشتری پیدا کنند. بررسی‌های علمی ثابت کرده‌اند که شناسایی مولفه‌های دقیق آموزش حقوق مدنی می‌تواند راهگشای تدوین برنامه‌های درسی اثربخش‌تر باشد (دهقان‌زاده و جعفری، ۲۰۲۱). تغییر نقش متولیان امور دانش‌آموزی از رویکردهای انضباطی به تربیتی، باعث می‌شود دانش‌آموز مدرسه را به عنوان جامعه‌ای امن برای تمرین دموکراسی بپذیرد (گاستون-گیلز و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر این، در فرآیند رسیدگی به تخلفات در مراحل قضایی، نقش آموزش شهروندی و آگاهی از قوانین در رعایت حقوق متهمین بسیار حیاتی است تا احساس بی‌عدالتی به خشم و انتقام‌جویی مجدد منجر نگردد (نوری و همکاران، ۲۰۲۴).

بعد دیگر این مساله، چالش هماهنگی میان آموزش‌های ارائه‌شده در مدرسه با واقعیت‌های موجود در جامعه است تا از بروز تعارض شناختی در نوجوانان جلوگیری شود. درک نقش مشارکت، گفتمان و درگیری مدنی نهادهای جامعه مدنی در ترویج شهروندی فعال، برای موفقیت برنامه‌های آموزشی مدارس کاملاً ضروری است (بی و گورینا، ۲۰۱۷). تحقیقات گسترده موید این واقعیت است که آموزش مداوم حقوق شهروندی می‌تواند پیامدهای بسیار مثبتی در تربیت شهروندان قانون‌گرا داشته باشد و آمار بزهکاری اطفال را به شدت کاهش دهد (گبورز و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، در بسیاری از جوامع مفاهیم حقوق شهروندی به درستی بومی‌سازی نشده‌اند که این امر باعث ایجاد مقاومت می‌شود. بررسی مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با حقوق عامه و شهروندی و یافتن نقاط تعامل یا تضاد آن‌ها، برای تدوین کتب درسی متناسب با فرهنگ داخلی اهمیت بالایی دارد (غلامعلی‌زاده و غفاریان‌مسگرمقدم، ۱۴۰۴). دانش‌آموز باید بیاموزد که برخورداری از حقوق اساسی، مستلزم رعایت حقوق دیگران است و این تعادل میان حق و تکلیف، پایه یک جامعه سالم است. اهمیت نقش آگاهی از قوانین شهری در افزایش مطالبات مدنی مسالمت‌آمیز به جای رفتارهای وندالیستی، از دیگر دستاوردهای مهم این آموزش‌ها است (یوسفی، ۲۰۲۲). تا زمانی که این چالش‌ها در سطح سیاست‌گذاری برطرف نشود، انتظار کاهش چشمگیر آمار بزهکاری غیرواقع‌بینانه خواهد بود و این پژوهش در پی یافتن راهکارهای عملی برای پر کردن این خلأ است.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت انجام پژوهش‌های بنیادین در زمینه نقش آموزش حقوق شهروندی در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان از ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و روانی قابل تامل است. دوران نوجوانی حساس‌ترین مرحله شکل‌گیری هویت است و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی به دانش‌آموزان ابزارهای شناختی لازم برای تشخیص رفتار درست و مقابله با بحران‌ها را می‌دهد. از منظر جامعه‌شناختی، سلامت جامعه در گرو شهروندانی است که به حاکمیت قانون احترام می‌گذارند و آموزش حقوق مدنی تاثیر مستقیمی بر افزایش آگاهی و مشارکت اجتماعی آن‌ها دارد (ماشینچی‌بشمن و قنبری، ۱۴۰۳). از بُعد اقتصادی نیز هزینه‌های مادی و معنوی جرایم سرسام‌آور است و سرمایه‌گذاری در برنامه‌های پیشگیرانه در مدارس، بسیار مقرون‌به‌صرفه‌تر از مجازات مجرمان می‌باشد (عباسی‌کلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این، در عصر فناوری‌های نوین، چالش‌های جرایم سایبری نیازمند بررسی علمی است تا حقوق افراد تضييع نگردد (تورانی و سلمان‌نژاد، ۱۴۰۴). از منظر روانی، وقوع جرایم احساس امنیت مدارس را خدشه‌دار می‌کند و ایجاد فضای امن جز با نهادینه کردن فرهنگ احترام به قانون میسر نخواهد شد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴). این آموزش‌ها باید در تمامی فعالیت‌های مدرسه از جمله مسابقات ورزشی نیز جریان داشته باشد تا تاثیرگذاری بالاتری پیدا کند (سروستانی و فتحی‌مقدم، ۱۳۹۸). در نتیجه، پژوهش حاضر تلاش می‌کند مدلی جامع برای تربیت نسلی قانون‌مدار ارائه دهد.

جدول ۱: ابعاد تاثیرگذاری آموزش حقوق شهروندی بر دانش‌آموزان

ردیف	بعد تاثیرگذاری	شرح مختصر عملکرد مکانیزم
------	----------------	--------------------------

۱	ارتقای آگاهی فردی	شناخت دقیق حقوق و تکالیف و درک مرزهای قانونی در تعاملات
۲	پیشگیری سایبری	آشنایی با حقوق دیجیتال و جلوگیری از جرایم رایانه ای ناآگاهانه
۳	توسعه مهارت‌های اجتماعی	تقویت همدلی، گفت‌وگو سازی و حل مسالمت آمیز تعارضات گروهی
۴	بازدارندگی درونی	درک عواقب و پیامدهای حقوقی و اجتماعی ناشی از ارتکاب جرایم
۵	افزایش مشارکت مدنی	مسئولیت پذیری در قبال جامعه و مطالبه گری از مسیرهای قانونی مجاز

### مبانی نظری پژوهش

آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در نظام‌های آموزشی مدرن شناخته می‌شود که هدف آن آماده‌سازی افراد برای مشارکت فعال و مسئولانه در حیات اجتماعی و سیاسی است (جروم و همکاران، ۲۰۲۴). این مفهوم در دهه‌های اخیر از رویکردهای صرفاً دانشی به سمت رویکردهای مهارتی و نگرشی تغییر جهت داده است تا بتواند پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع امروزی باشد. در واقع، حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف متقابل میان فرد و دولت و همچنین میان افراد با یکدیگر است که آگاهی از آن‌ها برای حفظ نظم و انسجام اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد (دهقان‌زاده و جعفری، ۲۰۲۱). آموزش این مفاهیم در مدارس بستری را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان با ارزش‌های دموکراتیک، احترام به تفاوت‌ها و اهمیت قانون‌مداری آشنا شوند و این ارزش‌ها را درونی سازند. زمانی که دانش‌آموزان درک عمیقی از حقوق خود و دیگران داشته باشند، احتمال بروز رفتارهای ناقض حقوق دیگران در آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد و این امر به نوبه خود در پیشگیری از بزهکاری موثر است (یولیانا، ۲۰۲۳). نقش این آموزش‌ها در شکل‌دهی به یک جامعه سالم و قانون‌مند بسیار کلیدی و غیرقابل چشم‌پوشی است.

از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، دوران نوجوانی مقطعی حساس است که در آن فرد مستعد تاثیرپذیری از الگوهای رفتاری مخرب و گروه همسالان بزهکار قرار دارد (عباسی و همکاران، ۲۰۲۴). آموزش‌های پیشگیرانه در این دوران می‌توانند به عنوان یک سپر محافظ عمل کرده و با ارتقای سطح بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان، آن‌ها را در برابر محرک‌های جرم‌زا واکسینه کنند. آشنایی با قوانین شهری و حقوق مدنی به نوجوانان کمک می‌کند تا پیامدهای حقوقی و اجتماعی اعمال خود را بهتر درک کنند و در نتیجه کنترل بیشتری بر تکانه‌ها و رفتارهای پرخطر خود داشته باشند (یوسفی، ۲۰۲۲). این آگاهی بخشی نه تنها به کاهش جرایم خرد مانند وندالیسم و سرقت کمک می‌کند، بلکه در ترویج فرهنگ گفت‌وگو و حل مسالمت‌آمیز اختلافات نیز نقش بسزایی ایفا می‌نماید. ایجاد چنین فضایی در نهاد مدرسه، علاوه بر بهبود کیفیت یادگیری، مستقیماً فضای آموزشی را به محیطی امن‌تر و پویاتر تبدیل می‌سازد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴). تلفیق مبانی جامعه‌شناختی با اصول حقوقی، درک بهتری از نحوه کنترل رفتارهای نابهنجار در میان جوانان ارائه می‌دهد.

توسعه روزافزون فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، ابعاد جدیدی به مفهوم حقوق شهروندی افزوده است که از آن تحت عنوان شهروندی دیجیتال یاد می‌شود (الشیبانی و الزهرانی، ۲۰۲۳). امروزه بخش قابل توجهی از تعاملات نوجوانان در فضای مجازی صورت می‌گیرد و ناآگاهی از قوانین این فضا می‌تواند منجر به بروز جرایم سایبری متعدد از جمله مزاحمت‌های اینترنتی شود. بنابراین، تجهیز دانش‌آموزان به دانش و مهارت‌های لازم برای استفاده مسئولانه از فناوری‌های نوین، به یک ضرورت انکارناپذیر در نظام تعلیم و تربیت تبدیل شده است (بایدار، ۲۰۲۲). آموزش مهارت‌های شهروندی دیجیتال به نوجوانان می‌آموزد که چگونه در فضای آنلاین رفتار اخلاقی داشته باشند و از انجام اقداماتی که می‌تواند عواقب قانونی سنگینی برای آن‌ها به همراه داشته باشد پرهیز کنند. آشنایی با نقض حریم خصوصی و کلاهبرداری‌های سایبری باعث می‌شود تا آن‌ها هم از ارتکاب این جرایم خودداری کنند و هم قربانی

سودجویان اینترنتی نشوند (جونز و همکاران، ۲۰۲۴). این آموزش‌ها با ایجاد یک بینش عمیق، امنیت روانی دانش‌آموزان را در مواجهه با خطرات پنهان تضمین می‌کند.

نقش رهبران آموزشی و مدیران مدارس در نهادینه کردن فرهنگ قانون‌مداری و رعایت حقوق شهروندی در محیط‌های آموزشی کاملاً حیاتی و غیرقابل انکار است (گاستون-گیلز و همکاران، ۲۰۰۵). آن‌ها با ایجاد یک محیط آموزشی مبتنی بر احترام متقابل، مشارکت‌جویی و عدالت، الگویی عملی برای رفتار صحیح دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. زمانی که کادر مدرسه خود به اصول حقوق شهروندی پایبند باشند و در برخورد با تخلفات دانش‌آموزان از رویکردهای تربیتی و ترمیمی به جای تنبیه‌های صرفاً قهری استفاده کنند، اعتماد آن‌ها افزایش می‌یابد (رحیمی‌پور و چغازدی، ۱۴۰۱). این رویکرد حمایتی باعث می‌شود که دانش‌آموزان مدرسه را به عنوان یک جامعه کوچک و امن برای تمرین زندگی مدنی بپذیرند و در نتیجه تمایل کمتری به رفتارهای هنجارشکنانه نشان دهند. توسعه استفاده از فناوری در کنار آموزش اخلاق مدنی نیازمند مدیرانی آگاه و توانمند است که بتوانند تغییرات مثبت را در نگرش محصلین ایجاد کنند (گیبوز و همکاران، ۲۰۱۳). هدایت صحیح رفتاری در مدرسه، مستقیماً به کاهش جرایم خرد و کلان در سال‌های بعدی زندگی کمک می‌کند.

آموزش حقوق شهروندی همچنین تاثیر مستقیمی بر افزایش احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و درگیری مدنی نوجوانان در جامعه دارد (مولدر، ۲۰۲۳). دانش‌آموزانی که با ساختارهای دموکراتیک و راه‌های مشارکت قانونی در جامعه آشنا می‌شوند، تمایل بیشتری به فعالیت در نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد پیدا می‌کنند. این مشارکت فعالانه، انرژی و پتانسیل جوانی آن‌ها را در مسیرهای سازنده هدایت کرده و از گرایش آن‌ها به سمت گروه‌های بزهکار و رفتارهای مخرب جلوگیری می‌کند (ماشینچی‌بشم و قنبری‌شهراری، ۱۴۰۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد که آموزش‌های مدنی با تقویت حس تعلق به جامعه و افزایش آگاهی سیاسی، نقش مهمی در ترویج شهروندی فعال در کشورهای مختلف ایفا کرده است. درک صحیح از حقوق عامه و ارتباط آن با توسعه پایدار، نیازمند آموزش‌های ساختاریافته در سنین پایه است تا تاثیرات بلندمدت خود را نشان دهد (بی و گورینا، ۲۰۱۷). ارتقای آگاهی مدنی از طریق افزایش مطالبه‌گری قانونی، از بروز خشونت‌های خیابانی پیشگیری می‌کند.

علاوه بر ابعاد فردی، پیامدهای کلان اجتماعی عدم آشنایی با حقوق عامه و شهروندی می‌تواند برای نظام حقوقی و قضایی یک کشور بسیار پرهزینه باشد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸). ناآگاهی از قوانین باعث افزایش حجم پرونده‌های قضایی مربوط به درگیری‌ها، تخریب اموال عمومی و سایر جرایم خرد می‌شود که کارایی سیستم قضایی را کاهش می‌دهد. در مقابل، آموزش مداوم و هدفمند حقوق شهروندی در مدارس، به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه، می‌تواند هزینه‌های مادی و معنوی مقابله با جرم را به شدت کاهش دهد (نوری و همکاران، ۲۰۲۴). مفهوم حقوق شهروندی در ابعاد روان‌شناسی جرم و کیفرگذاری نیز قابل تامل است، زیرا دانش‌آموزان ناآگاه ممکن است با چالش‌های روانی در سیستم قضایی روبرو شوند. آموزش حقوق شهروندی به آن‌ها کمک می‌کند تا در صورت مواجهه با سیستم قضایی، از حقوق اساسی خود به عنوان متهم آگاه باشند و به شکل بهتری از خود دفاع کنند (دانشمند، ۱۴۰۲). این آگاهی با کاهش احساس بی‌عدالتی، روند بازپروری را تسهیل کرده و از تکرار جرم در جامعه جلوگیری می‌کند.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی ابعاد مختلف حقوق شهروندی و نقش آن در مدیریت جوامع و پیشگیری از جرایم پرداخته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت جهانی و فراگیر این موضوع است. مطالعات نشان می‌دهند که ارتقای سطح آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف خود، پیش‌شرط اساسی برای تحقق توسعه پایدار و ایجاد جوامع امن به شمار می‌رود. در این راستا،

آموزش حقوق شهروندی در مدارس به عنوان پایه و اساس تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر همواره مورد تاکید محققان قرار گرفته است. بررسی ارتباط میان حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان و مدیریت شهری حاکی از آن است که آگاهی از قوانین مدنی، نقش مهمی در کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش همکاری متقابل میان مردم و نهادهای حاکمیتی ایفا می‌کند (حقیقی‌نیکو و همکاران، ۱۴۰۲). در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون اهمیت آموزش‌های مدنی صورت گرفته است که همگی بر اثربخشی این رویکرد یکپارچه توافق دارند. این مطالعات عموماً بر این باورند که آموزش حقوق شهروندی در مدارس کشورهای توسعه‌یافته، نقش محوری در توسعه درگیری مدنی و پرورش شهروندانی فعال داشته است. مرور تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی متمرکز بر ارزش‌های دموکراتیک، توانسته‌اند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را ارتقا داده و نرخ مشارکت آن‌ها را به شدت افزایش دهند (لین، ۲۰۱۵). این هم‌افزایی و آموزش مستمر می‌تواند در پیشگیری از بروز رفتارهای وندالیستی و تخریب اموال عمومی بسیار موثر واقع شود.

بررسی‌ها در ابعاد روان‌شناختی و حقوقی نشان داده است که آشنایی با حقوق شهروندی تاثیر معناداری بر پیشگیری از ارتکاب جرم به ویژه در میان نسل جوان و نوجوان دارد. هنگامی که افراد از پیامدهای قانونی اعمال خود آگاه باشند و بدانند که هرگونه هنجارشکنی با برخورداری قضایی مواجه خواهد شد، تمایل کمتری به درگیر شدن در فعالیت‌های مجرمانه نشان می‌دهند. نقش آگاهی از حقوق شهروندی در پیشگیری از ارتکاب جرم، به عنوان یک عامل بازدارنده درونی عمل می‌کند که فرد را پیش از انجام عمل خلاف، به تفکر وامی‌دارد (ناصری‌فورگ و همکاران، ۱۳۹۴). بررسی سیستماتیک ادبیات پژوهشی در زمینه پیامدهای آموزش شهروندی بر فعالیت‌های مدنی در سطح جهانی نیز نشان می‌دهد که این آموزش‌ها ارتباط مثبتی با شکل‌گیری هویت اجتماعی سازنده در نوجوانان دارند. مشارکت در شبیه‌سازی‌های دموکراتیک، بحث‌های گروهی پیرامون مسائل روز جامعه و آشنایی با ساختارهای قانونی، مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان به شدت تقویت می‌کند. این مهارت‌ها به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در مواجهه با اطلاعات نادرست، تبلیغات گروه‌های بزهکار و فشارهای محیطی، تصمیمات منطقی‌تری اتخاذ نمایند (جروم و همکاران، ۲۰۲۴). این امر ضرورت گنجاندن مستمر مباحث حقوقی در برنامه‌های درسی تمامی مقاطع تحصیلی را برای کاهش پایدار جرایم بیش از پیش نمایان می‌سازد.

استفاده از محیط‌های آموزشی متنوع و کاربردی برای انتقال مفاهیم مدنی، از دیگر دستاوردهای پژوهش‌های اخیر در سطح داخلی و بین‌المللی است که اثربخشی بالایی را در کاهش رفتارهای ناهنجار نشان می‌دهد. آموزش شهروندی در محل به عنوان یکی از روش‌های نوین برای افزایش مشارکت دموکراتیک و کاهش نابرابری‌ها در میان جوانان مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در این روش، دانش‌آموزان به جای یادگیری صرفاً تئوریک، با حضور در محیط‌های واقعی اجتماعی و نهادهای مدنی، حقوق خود را به صورت عملی تجربه می‌کنند (مولدر، ۲۰۲۳). این رویکرد تعاملی باعث می‌شود تا یادگیری عمیق‌تری صورت گیرد. در محیط‌های خاص مانند رویدادهای ورزشی نیز که پتانسیل بالایی برای بروز هیجانات کنترل‌نشده وجود دارد، آموزش قوانین می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرایم ایفا کند. بررسی نقش آموزش قوانین در پیشگیری از وقوع جرم و رعایت حقوق شهروندی در مسابقات ورزشی نشان می‌دهد که آگاه‌سازی مداوم برای کاهش خشونت کاملاً ضروری است (سروستانی و فتحی‌مقدم، ۱۳۹۸). در کشورهای در حال توسعه نیز آموزش مدنی در مدیریت محلی به جوانان می‌آموزد که چگونه مطالبات خود را از طریق مجاری قانونی پیگیری کنند. مطالعه موردی در کشورهایی مانند زامبیا نشان داده است که ارتقای دانش حقوقی جوامع محلی، تاثیر مستقیمی بر بهبود امنیت منطقه و کاهش جرایم خرد داشته است (تلما، ۲۰۲۴).

در نهایت، تعامل میان نهادهای آموزشی و انتظامی در زمینه نهادینه کردن حقوق مدنی از موضوعات مهمی است که در پژوهش‌های متعددی مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته است. نقش نهادهای انتظامی و پلیس در پیشگیری از جرم با رویکردهای مبتنی بر رعایت حقوق شهروندی پیوند خورده و نیازمند برنامه‌ریزی است. رویکردهای نوین پلیس جامعه‌محور بر این اصل استوار است که پیشگیری از جرم بدون جلب مشارکت آگاهانه مردم و احترام به حقوق آن‌ها امکان‌پذیر نیست. پلیس با حضور در مدارس و ارائه آموزش‌های لازم در زمینه قوانین، می‌تواند نقش موثری در آگاه‌سازی دانش‌آموزان ایفا کند (رحیمی‌پور و چغاززدی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، چالش‌های مرتبط با حقوق مدنی دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی و تقابل آن‌ها با نیروهای انتظامی مستقر در مدارس از موضوعات مهم تحقیقات بین‌المللی است. ارزیابی ادعاهای حقوق مدنی دانش‌آموزان علیه افسران منابع مدرسه نشان می‌دهد که فقدان آگاهی دوطرفه از حقوق، می‌تواند منجر به بروز سوءتفاهم‌ها و برخوردهای نامناسب در محیط آموزشی شود (ولف، ۲۰۱۷). تعامل سازنده میان نیروهای انتظامی و نظام آموزشی، ضمن از بین بردن ترس، به نهادینه شدن فرهنگ قانون‌مداری و جلوگیری از بروز هرگونه تنش و تضییع حقوق که خود زمینه‌ساز خشونت است، کمک شایانی خواهد کرد.

## یافته‌های پژوهش

### نقش آموزش حقوق شهروندی در توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اهداف نظام‌های آموزشی در عصر کنونی، پرورش حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان دانش‌آموزان از طریق آموزش جامع حقوق شهروندی است که این امر تاثیر مستقیمی بر کاهش رفتارهای ناپه‌نجار و مجرمانه دارد. هنگامی که نوجوانان در محیط مدرسه با مفاهیم اصیل شهروندی و تعهدات متقابل در قبال جامعه آشنا می‌شوند، به تدریج از حالت انفعال خارج شده و خود را به عنوان یک کنشگر فعال و مسئول در برابر سرنوشت جمعی می‌پذیرند. این تغییر نگرش بنیادین باعث می‌شود تا فرد در مواجهه با موقعیت‌های جرم‌زا، منافع جمعی و احترام به قانون را بر خواسته‌های زودگذر و خودخواهانه ترجیح دهد. تحقیقات نشان داده است که بررسی نقش آموزش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کاهش جرایم ادراک شده در میان دانش‌آموزان، نتایج بسیار امیدبخشی را در زمینه کنترل بزهکاری به همراه داشته است (عباسی و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع، دانش‌آموزی که مسئولیت‌پذیری اجتماعی در او نهادینه شده باشد، تخریب اموال عمومی یا نقض حقوق دیگران را نه تنها یک تخلف قانونی، بلکه یک خیانت اخلاقی به جامعه خود می‌داند و همین امر به عنوان یک سد دفاعی مستحکم در برابر وسوسه‌های مجرمانه عمل می‌کند. از سوی دیگر، آموزش‌های مستمر مدنی به نوجوانان یادآوری می‌کند که برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی نیازمند ادای تکالیف شهروندی است و این توازن میان حق و تکلیف، پایه و اساس پیشگیری از وقوع جرم در سطح خرد و کلان محسوب می‌شود.

در ادامه باید به این نکته توجه داشت که نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محیط‌های آموزشی نیازمند طراحی برنامه‌های درسی منسجم و استفاده از روش‌های تدریس کارآمد است تا بتواند تاثیرات عمیق و ماندگاری بر رفتار دانش‌آموزان بگذارد. صرف انتقال اطلاعات تئوریک در قالب کلاس‌های سنتی نمی‌تواند حس تعهد و دلسوزی نسبت به جامعه را در نوجوانان بیدار کند، بلکه آن‌ها باید در عمل و از طریق مشارکت در پروژه‌های گروهی، کارهای داوطلبانه و شوراها، مسئولیت‌پذیری را تجربه کنند. نظام آموزشی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که دانش‌آموزان بتوانند ارتباط معناداری میان آموزش‌های کلاسی و واقعیت‌های موجود در جامعه برقرار نمایند و نقش خود را در حل معضلات اجتماعی درک کنند. جرایم علیه امنیت و حقوق شهروندی در پرتو اصول جرم‌نگاری همواره نشان داده‌اند که فقدان احساس تعهد و مسئولیت، از عوامل اصلی گرایش افراد به سمت نقض قوانین است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیل پیامدهای رفتارشان، به آن‌ها کمک

می‌کند تا در شرایط بحرانی تصمیمات عقلانی‌تری بگیرند. زمانی که یک نوجوان می‌آموزد چگونه منافع فردی خود را با منافع عمومی همسو سازد، احتمال درگیر شدن او در فعالیت‌های بزهکارانه به شدت کاهش می‌یابد. ایجاد این نوع از بلوغ فکری و اجتماعی، یکی از ارزشمندترین دستاوردهای آموزش حقوق شهروندی است که سلامت روان جامعه را تضمین می‌کند.

علاوه بر برنامه‌های درسی رسمی، نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه و محیط کلی مدرسه در تقویت این مسئولیت‌پذیری بسیار حائز اهمیت است و مدیران و معلمان باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند. مدرسه‌ای که در آن فضای گفت‌وگو آزاد، احترام متقابل و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها ترویج می‌شود، بستر بسیار مناسبی برای پرورش شهروندانی قانون‌مدار و متعهد فراهم می‌آورد. در چنین محیطی، دانش‌آموزان احساس ارزشمندی می‌کنند و یاد می‌گیرند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود و می‌توانند از طریق مجاری قانونی، تغییرات مثبتی در محیط اطراف خود ایجاد کنند. این احساس توانمندی و خودکارآمدی، انگیزه آن‌ها را برای مشارکت در فعالیت‌های سازنده افزایش داده و از گرایش آن‌ها به سمت گروه‌های هنجارشکن و رفتارهای مجرمانه جلوگیری می‌کند. نقش آموزش در نهادینه شدن حقوق شهروندی با تاکید بر کاهش جرم در جوامع مختلف ثابت کرده است که محیط‌های آموزشی پویا، بهترین مکان برای تمرین دموکراسی و مسئولیت‌پذیری هستند (رحیمی، ۱۴۰۳). از این رو، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای کیفیت این آموزش‌ها و توانمندسازی کادر آموزشی برای ایجاد فضایی تعاملی، ضرورتی انکارناپذیر است. توسعه مهارت‌های اجتماعی در کنار آموزش قوانین، به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه در برابر بی‌عدالتی‌ها ایستادگی کنند و بدون توسل به خشونت، حقوق خود و دیگران را مطالبه نمایند که این امر خود یک گام بزرگ در جهت پیشگیری از جرم است.

### تحلیل مکانیسم‌های روان‌شناختی پیشگیری از بزهکاری

از منظر روان‌شناسی جنایی، دوران نوجوانی دوره‌ای از تغییرات عمیق شناختی، عاطفی و اجتماعی است که فرد را به شدت در معرض آسیب‌پذیری و تاثیرپذیری از عوامل محیطی قرار می‌دهد و نیازمند مراقبت‌های ویژه است. در این سنین، هویت فردی در حال شکل‌گیری است و نوجوانان تمایل زیادی به استقلال‌طلبی، هیجان‌خواهی و در برخی موارد، قانون‌شکنی برای جلب توجه گروه همسالان از خود نشان می‌دهند. در چنین شرایط حساس روانی، آموزش حقوق شهروندی به عنوان یک مداخله روان‌شناختی موثر وارد عمل می‌شود و با تنظیم هیجانات و اصلاح الگوهای فکری، از بروز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه جلوگیری می‌کند. حقوق شهروندی در ابعاد روان‌شناسی جرم با دیدگاه کیفرگذاری به ما نشان می‌دهد که آگاهی از قوانین و درک مرزهای مجاز رفتاری، نقش مهمی در کنترل تکانه‌های مخرب نوجوانان ایفا می‌کند (دانشمند، ۱۴۰۲). زمانی که فرد با مفاهیمی چون پیامدهای قانونی اعمال، حقوق قربانیان و هزینه‌های روانی و اجتماعی جرم آشنا می‌شود، سیستم بازدارندگی درونی او تقویت شده و قبل از انجام هرگونه عمل ناهنجار، به ارزیابی منطقی سود و زیان آن می‌پردازد. این آموزش‌ها به تدریج توانایی خودکنترلی و همدلی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهند که این دو مهارت، از مهم‌ترین عوامل محافظت‌کننده در برابر گرایش به جرم محسوب می‌شوند.

همچنین، آموزش مستمر و هدفمند حقوق شهروندی با تغییر نگرش‌ها و باورهای بنیادین دانش‌آموزان نسبت به خود، جامعه و قانون، ساختار روان‌شناختی آن‌ها را در برابر بزهکاری مقاوم می‌سازد. بسیاری از نوجوانانی که مرتکب جرم می‌شوند، غالباً دارای خطاهای شناختی هستند؛ آن‌ها اعمال خود را توجیه می‌کنند، پیامدهای رفتارشان را ناچیز می‌شمارند و یا قربانیان خود را مستحق آسیب می‌دانند. برنامه‌های آموزش مدنی با ایجاد چالش‌های شناختی و بحث‌های گروهی پیرامون مسائل اخلاقی و قانونی، این الگوهای فکری معیوب را اصلاح کرده و نگرش‌های اجتماعی مثبتی را جایگزین آن‌ها می‌سازند. اثربخشی آموزش مدنی در اعمال نگرش‌های اجتماعی برای مقابله با بزهکاری دانش‌آموزان، یکی از دستاوردهای مهم این رویکرد در محیط‌های آموزشی است که به کاهش محسوس تخلفات انضباطی منجر می‌شود (یولیان، ۲۰۲۳). این تغییرات شناختی باعث می‌شود که دانش‌آموز، قانون را نه به عنوان

یک محدودیت اجباری و ظالمانه، بلکه به عنوان ابزاری برای حفظ امنیت فردی و جمعی خود بپذیرد. در نتیجه، تمایل او به قانون‌گریزی جای خود را به احترام به مقررات و تلاش برای حفظ نظم اجتماعی می‌دهد. آموزش مهارت‌های حل مساله و مدیریت خشم در قالب این برنامه‌ها، به دانش‌آموزان ابزارهای روانی لازم برای مواجهه با تنش‌ها و تعارضات روزمره را بدون نیاز به توسل به خشونت ارائه می‌دهد.

در سطح عمیق‌تر، آگاهی از حقوق شهروندی به تقویت عزت نفس و احساس ارزشمندی در نوجوانان کمک شایانی می‌کند که این امر رابطه معکوسی با گرایش به رفتارهای مجرمانه دارد. دانش‌آموزانی که حقوق انسانی و مدنی خود را می‌شناسند و احساس می‌کنند که این حقوق توسط نهاد مدرسه و جامعه به رسمیت شناخته می‌شود، کمتر دچار احساس سرخوردگی، انزوا و خشم فروخورده می‌شوند. این در حالی است که بسیاری از رفتارهای وندالیستی و ضد اجتماعی نوجوانان، ریشه در همین احساس بی‌عدالتی و طردشدگی دارد. بررسی تاثیر عامل آگاهی از حقوق شهروندی در پیشگیری از ارتکاب جرم ثابت کرده است که توانمندسازی روانی افراد از طریق آموزش قوانین، یکی از کارآمدترین روش‌ها برای کاهش بزهکاری پنهان و آشکار است (ناصری‌فورگ و همکاران، ۱۳۹۴). هنگامی که یک نوجوان می‌داند در صورت مواجهه با مشکل، مراجع و قوانین مشخصی برای حمایت از او وجود دارند، نیازی نمی‌بیند که برای احقاق حق خود به روش‌های غیرقانونی یا خشونت‌آمیز متوسل شود. این احساس امنیت روانی و اعتماد به ساختارهای قانونی، پایه‌های یک جامعه سالم و عاری از جرم را بنا می‌نهد. از این رو، تلفیق مباحث روان‌شناسی رشد با برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در مدارس، می‌تواند به شکل‌گیری هویتی سالم، سازگار و قانون‌مدار در نسل آینده کمک کند.

### حقوق شهروندی در عصر دیجیتال و پیشگیری از جرایم سایبری

ورود پرشتاب و گسترده فناوری‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی به زندگی روزمره نوجوانان، پارادایم‌های سنتی آموزش حقوق شهروندی را با چالش‌ها و ضرورت‌های جدیدی مواجه ساخته است. در عصر دیجیتال، بخش قابل توجهی از تعاملات، یادگیری‌ها و سرگرمی‌های دانش‌آموزان در فضای مجازی صورت می‌گیرد؛ فضایی که به دلیل ماهیت پیچیده، بی‌مرز و نیمه‌پنهان خود، بستری مستعد برای بروز رفتارهای ناهنجار و جرایم سایبری فراهم کرده است. ناآگاهی نوجوانان از قوانین حاکم بر فضای مجازی، مرزهای حریم خصوصی و پیامدهای حقوقی اعمالشان در اینترنت، آن‌ها را هم در معرض بزهکاری و هم در معرض بزهکاری قرار می‌دهد. بنابراین، بررسی تاثیر دانش، باورها و مهارت‌های شهروندی دیجیتال دانش‌آموزان بر پیشگیری از جرایم سایبری به یک فوریت قطعی برای نظام‌های آموزشی تبدیل شده است (الثیبیانی و الزهرانی، ۲۰۲۳). دانش‌آموزان باید بیاموزند که فضای آنلاین، منطقه‌ای آزاد از قانون نیست و هرگونه توهین، افترا، مزاحمت اینترنتی یا انتشار اطلاعات خصوصی دیگران، عواقب قانونی بسیار سنگینی در پی خواهد داشت. آموزش حقوق شهروندی دیجیتال به نوجوانان کمک می‌کند تا هویت سایبری خود را با مسئولیت‌پذیری مدیریت کرده و از رفتارهایی که می‌تواند آینده تحصیلی و شغلی آن‌ها را به خطر بیندازد، آگاهانه اجتناب ورزند.

برای تحقق این هدف، نقش رهبران آموزشی، مدیران و معلمان مدارس در توسعه سواد رسانه‌ای و فرهنگ استفاده صحیح از فناوری‌های نوین غیرقابل انکار و بسیار حیاتی است. نظام آموزشی باید از طریق به‌روزرسانی مداوم برنامه‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی عملی، دانش‌آموزان را با مصادیق جرایم رایانه‌ای و راه‌های مقابله با آن‌ها آشنا سازد. نقش رهبران آموزشی در توسعه استفاده دانش‌آموزان از فناوری و شهروندی دیجیتال، به ویژه در هدایت آن‌ها به سمت استفاده سازنده و اخلاقی از ابزارهای هوشمند، بسیار برجسته است (بایدار، ۲۰۲۲). معلمان باید به عنوان تسهیل‌گرانی آگاه، فضای امنی را در کلاس درس فراهم کنند تا دانش‌آموزان بتوانند تجربیات، دغدغه‌ها و چالش‌های خود در فضای مجازی را آزادانه مطرح کرده و راهنمایی‌های لازم را دریافت کنند. علاوه بر این، آموزش تفکر انتقادی در مواجهه با اخبار جعلی، محتوای غیراخلاقی و ترفندهای مهندسی اجتماعی که توسط

کلاهبرداران اینترنتی استفاده می‌شود، از ارکان اصلی حقوق شهروندی در عصر حاضر است. زمانی که یک نوجوان به مهارت ارزیابی انتقادی اطلاعات در اینترنت مجهز شود، کمتر تحت تاثیر گروه‌های بزهکار سایبری قرار می‌گیرد و به سادگی فریب وعده‌های دروغین آن‌ها را نمی‌خورد.

اثربخشی برنامه‌های آموزش شهروندی دیجیتال زمانی به حداکثر می‌رسد که به صورت ساختاریافته، تعاملی و متناسب با سن دانش‌آموزان طراحی و اجرا شوند. استفاده از شبیه‌سازها، بازی‌های آموزشی هدفمند و تحلیل پرونده‌های واقعی جرایم سایبری در کلاس درس، می‌تواند به مراتب تاثیرگذارتر از نصیحت‌های مستقیم و هشدارهای کلامی باشد. بررسی تاثیر آموزش شهروندی دیجیتال به جوانان از طریق برنامه‌های ارزیابی مبتنی بر کارآزمایی تصادفی نشان می‌دهد که آموزش‌های ساختاریافته می‌توانند رفتار آنلاین نوجوانان را به میزان قابل توجهی اصلاح کنند (جونز و همکاران، ۲۰۲۴). این آموزش‌ها ضمن آگاه‌سازی دانش‌آموزان نسبت به خطرات موجود، به آن‌ها مهارت‌های پیشگیرانه‌ای مانند حفظ امنیت رمزهای عبور، تنظیمات حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی و نحوه گزارش‌دهی تخلفات آنلاین را نیز می‌آموزند. همچنین، خانواده‌ها نیز باید همسو با برنامه‌های مدرسه، نظارت آگاهانه و حمایتی بر فعالیت‌های دیجیتال فرزندان خود داشته باشند تا یک جبهه متحد برای پیشگیری از آسیب‌های سایبری شکل گیرد. در نهایت، با ادغام موفقیت‌آمیز حقوق شهروندی دیجیتال در نظام تعلیم و تربیت، می‌توان امید داشت که نسل آینده نه تنها کاربران ماهری برای فناوری‌های نوین باشند، بلکه شهروندانی اخلاق‌مدار، قانون‌گرا و مسئولیت‌پذیر در جامعه شبکه‌ای فردا نیز باشند و آمار بزهکاری‌های اینترنتی در میان جوانان به حداقل ممکن برسد.

#### نقش برنامه‌های درسی پنهان در نهادینه کردن حقوق شهروندی

یکی از ابعاد بسیار مهم و کمتر مورد توجه قرار گرفته در نظام تعلیم و تربیت مدرن، نقش حیاتی برنامه‌های درسی پنهان در انتقال مفاهیم مرتبط با قانون‌مداری و حقوق متقابل افراد است. برنامه درسی پنهان به مجموعه‌ای از یادگیری‌های غیررسمی، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و پیام‌های نانوشته‌ای اطلاق می‌شود که دانش‌آموزان به صورت ناخودآگاه از فضا و فیزیک مدرسه، نحوه تعامل کادر آموزشی با یکدیگر و ساختار مدیریتی دریافت می‌کنند. این نوع یادگیری محیطی غالباً تاثیرات بسیار عمیق‌تر و پایدارتری نسبت به آموزش‌های رسمی و مستقیم در کتب درسی دارد، زیرا با تجربیات روزمره و عواطف دانش‌آموز به شدت در هم آمیخته است. زمانی که در یک مدرسه، عدالت در برخورد با تخلفات رعایت می‌شود و دانش‌آموزان به وضوح می‌بینند که قوانین برای همه به صورت یکسان اعمال می‌گردد، اعتماد آن‌ها به ساختارهای قانونی افزایش می‌یابد (لین، ۲۰۱۵). در مقابل، اگر فضای حاکم بر مدرسه مبتنی بر تبعیض، بی‌عدالتی، سرکوب آزادی بیان و نادیده گرفتن حقوق اولیه محصلین باشد، بهترین و جامع‌ترین کتب درسی حقوق شهروندی نیز نخواهند توانست مانع از بروز رفتارهای پرخاشگرانه و قانون‌گریزی شوند. تحقیقات مستند نشان می‌دهد که بررسی اثربخشی آموزش‌های مدنی در اعمال نگرش‌های مثبت و سازنده مستلزم همسویی کامل برنامه درسی آشکار و پنهان است تا دچار تضاد نشود (یولیانا، ۲۰۲۳). دانش‌آموزان رفتارهای عملی کادر مدرسه را به عنوان الگوهای قطعی برای تعاملات اجتماعی خود در آینده درونی‌سازی می‌کنند و از آن‌ها الگو می‌گیرند. بنابراین، معلمان و مدیران باید با آگاهی کامل از نقش حساس الگویی خود، احترام به حقوق دیگران را در تمامی رفتارهای خرد و کلان خود متجلی سازند تا دانش‌آموزان در یک اتمسفر سالم و قانون‌مند رشد کنند. ایجاد بسترهای مناسب و واقعی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه، مانند شوراها، دانش‌آموزی، یکی از بارزترین نمونه‌های آموزش عملی حقوق شهروندی است که حس تعلق را تقویت می‌کند (بی و گورینا، ۲۰۱۷). این رویکرد عملی و تعاملی باعث می‌شود تا دانش‌آموزان پیش از ورود به عرصه وسیع‌تر جامعه، مهارت‌های لازم برای زندگی دموکراتیک، نقدپذیری و مسالمت‌آمیز را به خوبی تمرین کنند.

### تعامل ساختارهای آموزشی و نهادهای قانونی در پیشگیری از بزهکاری

برای دستیابی به نتایج مطلوب و بلندمدت در زمینه کاهش نرخ جرایم دانش‌آموزی، همکاری و هم‌افزایی نزدیک میان سیستم آموزشی و نهادهای قانونی و انتظامی مستقر در جامعه امری کاملاً اجتناب‌ناپذیر است. مدرسه به تنهایی هرگز نمی‌تواند بار سنگین تربیت شهروندان قانون‌مدار و آگاه را بر دوش بکشد، بلکه نیازمند حمایت ساختاری و مداخله سازنده سایر نهادهای متولی نظم و امنیت اجتماعی در یک چارچوب مشخص است. یکی از راهکارهای بسیار موثر در این زمینه، حضور قاعده‌مند ضابطان قضایی و نیروهای پلیس با رویکردی کاملاً آموزشی و جامعه‌محور در سطح مدارس است تا دانش‌آموزان را با واقعیت‌های موجود آشنا سازند. نقش پلیس در پیشگیری از جرم و رعایت حقوق شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی به شدت تاکید می‌کند که آگاه‌سازی نسل جوان باید در فضایی دوستانه و به دور از ایجاد رعب صورت گیرد (رحیمی‌پور و چغازدی، ۱۴۰۱). این تعاملات مستقیم و بی‌واسطه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا پلیس را نه به عنوان یک نیروی صرفاً سرکوب‌گر و قهری، بلکه به عنوان حامی حقوق اساسی و امنیت خود به درستی بشناسند. از سوی دیگر، آگاهی متقابل کادر انتظامی از حقوق مدنی دانش‌آموزان نیز در هنگام رسیدگی به تخلفات احتمالی در فضاهای آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است تا حقوق آن‌ها تضییع نگردد. ارزیابی ادعاهای حقوقی و مدنی دانش‌آموزان علیه مداخلات انتظامی در مدارس نشان می‌دهد که رعایت کرامت انسانی محصلین در فرآیندهای انضباطی، مانع از بروز عقده‌های روانی می‌شود (ولف، ۲۰۱۷). علاوه بر این، برگزاری کارگاه‌های مشترک و پنل‌های گفت‌وگو میان قضات، وکلای دادگستری و دانش‌آموزان می‌تواند شرایطی را فراهم آورد تا محصلین سوالات حقوقی خود را مستقیماً مطرح کنند و پاسخ گیرند. این رویکرد پیشگیرانه و آموزشی، هزینه‌های کلان مادی و معنوی مقابله با جرایم نوجوانان را در سطح جامعه به شدت کاهش می‌دهد و به نهادینه شدن فرهنگ قانون‌مداری کمک شایانی می‌کند. تاثیر آموزش مستمر حقوق شهروندی بر آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان در بلندمدت، یکی از دستاوردهای مهم این نوع همکاری‌های چندجانبه و بین‌بخشی در جامعه است (ماشینی‌چشمی و قنبری‌شهری، ۱۴۰۳).

### ضرورت بومی‌سازی محتوای آموزش حقوق شهروندی در مدارس

برای اثربخشی حداکثری برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در کاهش نرخ رفتارهای مجرمانه دانش‌آموزان، تدوین محتوای آموزشی باید تطابق و همخوانی کاملی با ساختارهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه هدف داشته باشد. واردات صرف متون ترجمه شده از سیستم‌های آموزشی جوامع غربی بدون در نظر گرفتن اقتضائات بومی، نه تنها به نهادینه شدن قوانین کمکی نمی‌کند، بلکه ممکن است باعث ایجاد تضادهای شناختی و سردرگمی شود. در کشور ما، مبانی فقهی، اخلاقی و حقوقی غنی و بسیار ارزشمندی وجود دارد که می‌تواند به عنوان پشتوانه مستحکمی برای تبیین حقوق متقابل افراد مورد استفاده طراحان کتب درسی قرار گیرد. بررسی تضاد یا تعامل بین حقوق عامه و حقوق شهروندی در متون فقهی و یافتن راهکارهای مناسب برای تلفیق آن‌ها، یکی از وظایف مهم سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (غلامعلی‌زاده و غفاریان‌مسگرمقدم، ۱۴۰۴). زمانی که دانش‌آموزان در کلاس درس مشاهده کنند که مفاهیم حقوقی آموزش داده شده با باورهای اعتقادی و عرف جامعه پیرامونی آن‌ها همخوانی دارد، مقاومت بسیار کمتری در پذیرش از خود نشان می‌دهند. محتوای آموزشی باید به گونه‌ای ظریف و علمی طراحی شود که علاوه بر تبیین حقوق فردی، بر اهمیت ایثار، گذشت، احترام به بزرگترها و تعاون در جامعه نیز تاکید کند تا اثربخش باشد. آموزش مبانی پایه‌ای حقوق شهروندی در پیشگیری از وقوع جرم به خوبی نشان می‌دهد که ادغام ارزش‌های بومی و مذهبی در آموزش‌های مدنی، سیستم بازدارندگی نوجوانان را تقویت می‌کند (عباسی‌کلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین، استفاده از گنجینه ادبیات کلاسیک، داستان‌های ملی و الگوهای تاریخی برای آموزش مفاهیم مرتبط با قانون‌مداری و عدالت، جذابیت این مباحث خشک را برای دانش‌آموزان دوچندان

می‌سازد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که بومی‌سازی محتوا به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای علمی جهان در حوزه حقوق مدنی نیست، بلکه تلفیقی هوشمندانه از اصول جهان‌شمول با فرهنگ داخلی است. آموزش حقوق شهروندی به دانش‌آموزان در مدارس و تاثیرات قطعی آن در کاهش جرم و جنایت، زمانی پایدار خواهد بود که نوجوان احساس کند این حقوق ریشه در هویت او دارد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴).

### نقش آموزش قوانین در کاهش جرایم محیط‌های ورزشی و تفریحی

یکی از فضاهای پرچالشی که دانش‌آموزان بخش قابل توجهی از انرژی، هیجان و زمان آزاد خود را در آن صرف می‌کنند، محیط‌های ورزشی و رویدادهای مرتبط با مسابقات بین مدرسه‌ای است. مسابقات ورزشی به دلیل ماهیت به شدت رقابتی، فشارهای روانی و هیجانات بالایی که در میان تماشاگران و بازیکنان ایجاد می‌کنند، مستعد بروز رفتارهای پرخاشگرانه و نقض حقوق دیگران هستند. در صورت عدم آگاهی نوجوانان از قوانین بازی جوانمردانه و پیامدهای رفتارهای خشونت‌آمیز در این محیط‌ها، امکان ورزشی به سادگی می‌تواند به کانون‌هایی خطرناک برای بروز جرایم خرد تبدیل شوند. آموزش اخلاق ورزشی و حقوق متقابل بازیکنان، تماشاگران و کادر داور، یکی از زیرشاخه‌های بسیار مهم و کاربردی برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی است که مستقیماً بر کنترل خشم تاثیر می‌گذارد. بررسی جامع نقش آموزش قوانین در پیشگیری از وقوع جرم و رعایت حقوق شهروندی در مسابقات ورزشی حاکی از آن است که آگاه‌سازی پیش از شروع مسابقات، تنش‌ها را کاهش می‌دهد (سروستانی و فتحی‌مقدم، ۱۳۹۸). دانش‌آموزان باید از طریق آموزش‌های مستمر بیاموزند که رقابت در میدان ورزش به معنای دشمنی شخصی نیست و هرگونه اقدام خارج از چارچوب قوانین، پیگردهای انضباطی به همراه خواهد داشت. معلمان تربیت بدنی و مربیان ورزشی در این زمینه حساس نقش بسیار کلیدی بر عهده دارند و می‌توانند با آموزش عملی احترام به قوانین در زنگ‌های ورزش، مفاهیم عمیق مدنی را درونی‌سازی کنند. هنگامی که یک دانش‌آموز در طول بازی یاد می‌گیرد در اوج هیجان و خستگی به تصمیمات داور احترام بگذارد و حقوق رقیب خود را کاملاً رعایت کند، در جامعه نیز قانون‌مدار خواهد بود. تاثیر ملموس آموزش‌های مدنی بر کاهش درگیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که محیط‌های شبیه‌سازی شده مانند مسابقات، بهترین مکان برای تمرین عملی خودکنترلی هستند (گبورز و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، توسعه رویکردهای آموزشی مبتنی بر رعایت حقوق مدنی در تمامی فعالیت‌های پرورشی و فوق‌برنامه، از جمله رویدادهای ورزشی و اردوهای تفریحی، گامی موثر در جهت پیشگیری همه‌جانبه از جرایم است.

### جمع‌بندی

یافته‌های این پژوهش به روشنی اثبات می‌کند که آموزش حقوق شهروندی یک راهبرد چندبعدی و بسیار کارآمد در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان است. این آموزش‌ها با توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دانش‌آموزان را از حالت انفعال خارج کرده و به کنشگرانی فعال تبدیل می‌کنند که منافع جمعی را بر خواسته‌های فردی ترجیح می‌دهند و این امر سدی محکم در برابر جرم ایجاد می‌کند. از منظر روان‌شناختی، آشنایی مستمر با قوانین و پیامدهای آن به عنوان یک سیستم بازدارنده درونی عمل کرده و با ارتقای مهارت‌های خودکنترلی، خطاهای شناختی منجر به بزهکاری را اصلاح می‌نماید. در عصر حاضر، گسترش این آموزش‌ها به حوزه دیجیتال و سواد رسانه‌ای، نقشی کاملاً حیاتی در مصون‌سازی نوجوانان در برابر جرایم نوپدید سایبری و مزاحمت‌های اینترنتی ایفا می‌کند که نیازمند توجه ویژه است. علاوه بر آموزش‌های رسمی، برنامه‌های درسی پنهان و الگوهای رفتاری عادلانه کادر مدرسه نیز در نهادینه کردن این ارزش‌ها تاثیر عمیق و ماندگار دارند و نباید نادیده گرفته شوند. موفقیت نهایی این برنامه‌های آموزشی در گرو تعامل سازنده و مستمر ساختارهای مدرسه با نهادهای قانونی مانند پلیس است تا دانش‌آموزان درک واقع‌بینانه‌ای از اجرای قانون

به دست آورند. همچنین، بومی سازی دقیق محتوای آموزشی بر اساس ساختارهای فرهنگی جامعه و تسری این آموزش ها به محیط های پرهیجان مانند مسابقات ورزشی، تضمین کننده اثربخشی پایدار این رویکرد در تربیت نسلی قانون مدار خواهد بود.

ردیف	محور اصلی یافته ها	شرح سازوکار کلیدی در پیشگیری از بزهکاری دانش آموزان	منبع پشتیبان نمونه
۱	مسئولیت پذیری اجتماعی	ارجحیت دادن منافع جمعی بر فردی و درک تبعات اخلاقی هنجارشکنی در جامعه	عباسی و همکاران، ۲۰۲۴
۲	مکانیسم های روان شناختی	تقویت سیستم بازدارندگی درونی، اصلاح خطاهای شناختی و کنترل هیجانات مخرب	دانشمند، ۱۴۰۲
۳	حقوق شهروندی دیجیتال	توسعه سواد رسانه ای برای مدیریت هویت سایبری و جلوگیری از جرایم رایانه ای	الشیبانی و الزهرانی، ۲۰۲۳
۴	برنامه های درسی پنهان	الگوسازی عملی قانون مداری توسط کادر آموزشی برای درونی سازی ارزش های مدنی	یولیان، ۲۰۲۳
۵	تعامل نهادهای قانونی	حضور آموزشی پلیس در مدارس برای ایجاد درک واقع بینانه از قانون بدون ایجاد رعب	رحیمی پور و چغازردی، ۱۴۰۱
۶	بومی سازی محتوا	تلفیق مبانی فقهی و حقوقی داخلی برای افزایش پذیرش و همخوانی فرهنگی محتوا	غلامعلی زاده و غفاریان مسگرمقدم، ۱۴۰۴
۷	محیط های ورزشی	تمرین عملی خودکنترلی و احترام به قوانین بازی برای کاهش تنش ها و خشونت ها	سروستانی و فتحی مقدم، ۱۳۹۸

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عمیق نقش برنامه های آموزش حقوق شهروندی در پیشگیری و کاهش رفتارهای مجرمانه دانش آموزان انجام شد. نتایج به دست آمده به روشنی نشان می دهد که نظام تعلیم و تربیت در دنیای پیچیده امروز، رسالتی بسیار فراتر از انتقال صرف دانش آکادمیک بر عهده دارد. مدرسه به عنوان مهم ترین نهاد جامعه پذیری پس از خانواده، نقطه آغازین شکل گیری هویت اجتماعی و چارچوب های اخلاقی نسل آینده است. مواجهه روزافزون جوامع با پدیده گسترش جرایم در میان نوجوانان، زنگ خطری جدی است که نشان می دهد رویکردهای سنتی و صرفاً تنبیهی دیگر پاسخگو نیستند. آموزش حقوق شهروندی به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه، می تواند خلاءهای موجود در آگاهی دانش آموزان را پر کند. زمانی که نوجوان با حقوق انسانی خود و تکالیفش در قبال جامعه آشنا می شود، پایه یک شخصیت قانون مدار در او پی ریزی می گردد که این امر تمایل او را برای درگیر شدن در رفتارهای پرخطر به شدت کاهش می دهد. توسعه حس مسئولیت پذیری اجتماعی، سیستم بازدارندگی درونی فرد را تقویت کرده و او پیش از انجام هرگونه عمل ناهنجار، به ارزیابی منطقی عواقب آن می پردازد و از تخریب اموال عمومی یا نقض حقوق دیگران پرهیز می کند.

در عصر حاضر، با ورود پرشتاب فناوری‌های نوین و انتقال بخش عظیمی از زندگی نوجوانان به فضای مجازی، مفهوم حقوق شهروندی ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. ناآگاهی دانش‌آموزان از قوانین حاکم بر این فضای بی‌مرز، آن‌ها را در معرض ارتکاب ناآگاهانه جرایم رایانه‌ای و مزاحمت‌های سایبری قرار داده است. آموزش حقوق شهروندی دیجیتال و ارتقای سواد رسانه‌ای، امروزه یک ضرورت حیاتی است که باید در برنامه‌های درسی گنجانده شود. دانش‌آموزان باید بیاموزند که فضای آنلاین منطقه‌ای رها و بی‌قانون نیست و رفتارهایی نظیر نقض حریم خصوصی دیگران عواقب قانونی سنگینی در پی خواهد داشت. در کنار این موضوع، نباید از نقش تاثیرگذار برنامه‌های درسی پنهان و فضای کلی حاکم بر محیط آموزشی غافل شد. یادگیری مفاهیم مدنی صرفاً از طریق خواندن متون کتاب‌های درسی محقق نمی‌شود، بلکه دانش‌آموزان این مفاهیم را از نحوه رفتار معلمان و میزان برقراری عدالت در محیط آموزشی الگوبرداری می‌کنند. تغییر نگرش کادر آموزشی از رویکردهای صرفاً انضباطی به رویکردهای حمایتی و دموکراتیک، پیش‌شرط اساسی برای اثربخشی این برنامه‌ها است تا نوجوانان زندگی قانون‌مند را در یک محیط امن تمرین کنند.

از منظر اقتصاد و سیاست‌گذاری کلان، هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از وقوع جرایم در جامعه ارقام سرسام‌آوری را شامل می‌شود که بخش قابل توجهی از بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. هزینه‌های مربوط به فرآیندهای دادرسی قضایی، نگهداری مجرمان و جبران خسارات، بار سنگینی بر دوش دولت‌ها است. تخصیص امکانات برای نهادینه کردن برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در سنین پایه، در واقع یک پیشگیری رشدمدار و سرمایه‌گذاری پرسود اقتصادی محسوب می‌شود. نظام آموزشی با تربیت نسلی که به قانون احترام می‌گذارد، به طور غیرمستقیم بار مالی عظیمی را از دوش سیستم قضایی برمی‌دارد. موفقیت پایدار در این مسیر نیازمند هم‌افزایی سازنده میان نظام آموزشی و نهادهای متولی نظم در جامعه است. حضور آموزشی نیروهای انتظامی در مدارس می‌تواند تصویر ذهنی نوجوانان را نسبت به اجرای قانون اصلاح کند. علاوه بر این، بومی‌سازی محتوای آموزش‌ها بر اساس مبانی غنی فرهنگی و اخلاقی جامعه داخلی، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. استفاده از آموزه‌های دینی و الگوهای بومی باعث می‌شود دانش‌آموزان این مفاهیم را بیگانه نپندارند و در نهایت، سرمایه‌گذاری در این حوزه استراتژیک‌ترین روش برای واکسینه کردن نسل آینده در برابر آسیب‌های اجتماعی و تضمین امنیت پایدار است.

## منابع

- جعفری، ع. (۱۳۹۵). نقش حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در راستای ارتقاء مدیریت شهری. شباک، ۲(۱۰)، ۹-۱.
- حقیقی‌نیکو، ع.، مثنوی‌دوست، م.، پورفرج‌طرقی، ه.، و طیرانیان حبیب‌پور، س. (۱۴۰۲). بررسی مروری ارتباط حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان و مدیریت شهری. در دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست، تهران.
- غلامعلی‌زاده، ح.، و غفاریان‌مسگرمقدم، ب. س. (۱۴۰۴). تضاد یا تعامل بین حقوق عامه و حقوق شهروندی؛ چالش‌ها و راهکارها. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۱).
- ماشینی‌بشمن، ع. ا.، و قنبری‌شهواری، م. (۱۴۰۳). تأثیر آموزش حقوق شهروندی بر آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان. در ششمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- رحیمی، م. (۱۴۰۳). نقش آموزش در نهادینه شدن حقوق شهروندی با تأکید بر کاهش جرم. در چهاردهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
- صالحی، ر.، کوهی، ع.، آهن‌جگر، ر.، و فرخی، خ. (۱۴۰۴). آموزش حقوق شهروندی به دانش‌آموزان در مدارس و تأثیرات آن در کاهش جرم و جنایت. در هفتمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.

- ناصری فورگ، م. ی.، هاشمی، س. ح.، و شمس‌آبادی، س. م. (۱۳۹۴). تأثیر عامل آگاهی از حقوق شهروندی در پیشگیری از ارتکاب جرم. نشریه دانش انتظامی خراسان جنوبی، ۴(۴)، ۶۸-۸۷.
- تورانی، ع.، و سلمان‌نژاد، ح. ر. (۱۴۰۴). چالش‌های حقوق شهروندی و فناوری‌های نوین کشف جرم. در یازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی.
- دانشمند، م. (۱۴۰۲). حقوق شهروندی در ابعاد روان‌شناسی جرم با دیدگاه کیفرگذاری. در اولین همایش ملی روان‌شناسی جرم، شیراز.
- سروستانی، م.، و فتحی‌مقدم، م. (۱۳۹۸). بررسی نقش آموزش قوانین در پیشگیری از وقوع جرم و رعایت حقوق شهروندی در مسابقات ورزشی. در سومین کنگره ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت، رشت.
- عباسی کلیمانی، ع.، سفیدگر، ز.، و محمدی، م. (۱۳۹۶). مبانی حقوق شهروندی در پیشگیری از جرم. در همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی، کرج.
- محمودی، م.، میرخلیلی، س. م.، و بخنوه، ک. (۱۳۹۸). جرایم علیه امنیت و حقوق شهروندی در پرتو اصول جرم‌انگاری. فصلنامه تحقیقات حقوق بین‌المللی، ۱۲(۴۳).
- رحیمی‌پور، ح.، و چغازردی، س. ج. (۱۴۰۱). نقش پلیس در پیشگیری از جرم و رعایت حقوق شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی. در دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز.
- Abbasi, H. K. N. H., Jafarinia, G., & Pasalarzadeh, H. (۲۰۲۴). Investigation the role of education and social responsibility in reducing perceived crimes among students (Case study: the Persian Gulf Special Economic Zone). *Journal of Education Experiences*, 7(۲), ۶۹-۸۱.
- Althibyani, H. A., & Al-Zahrani, A. M. (۲۰۲۳). Investigating the effect of students' knowledge, beliefs, and digital citizenship skills on the prevention of cybercrime. *Sustainability*, 15(۱۵), ۱۱۵۱۲.
- Baydar, F. (۲۰۲۲). The Role of Educational Leaders in the Development of Students' Technology Use and Digital Citizenship. *Malaysian Online Journal of Educational Technology*, 10(۱), ۳۲-۴۶.
- Bee, C., & Guerrina, R. (۲۰۱۷). Participation, dialogue, and civic engagement: Understanding the role of organized civil society in promoting active citizenship in the European Union. In *Framing Civic Engagement, Political Participation and Active Citizenship in Europe* (pp. ۲۹-۵۰). Routledge.
- Dehghanzadeh, S., & Jafari, S. (۲۰۲۱). Identifying the components of civil rights education in the country's educational system from the point of view of experts: Sociology of education. *Sociology of Education*, ۷(۲), ۲۰۳-۲۱۶.
- Gaston-Gayles, J. L., Wolf-Wendel, L. E., Tuttle, K. N., Twombly, S. B., & Ward, K. (۲۰۰۵). From disciplinarian to change agent: How the civil rights era changed the roles of student affairs professionals. *NASPA Journal*, 42(۳), ۲۶۳-۲۸۲.
- Geboers, E., Geijsel, F., Admiraal, W., & Ten Dam, G. (۲۰۱۳). Review of the effects of citizenship education. *Educational research review*, 9, ۱۵۸-۱۷۳.
- Jerome, L., Hyder, F., Hilal, Y., & Kisby, B. (۲۰۲۴). A systematic literature review of research examining the impact of citizenship education on active citizenship outcomes. *Review of Education*, 12(۲), e۳۴۷۲.
- Jones, L. M., Mitchell, K. J., & Beseler, C. L. (۲۰۲۴). The impact of youth digital citizenship education: Insights from a cluster randomized controlled trial outcome evaluation of the be internet awesome (BIA) curriculum. *Contemporary School Psychology*, 28(۴), ۵۰۹-۵۲۳.
- Lin, A. (۲۰۱۵). Citizenship education in American schools and its role in developing civic engagement: A review of the research. *Educational Review*, 67(۱), ۳۵-۶۳.
- Mulder, L. E. (۲۰۲۳). On-site citizenship education: an effective way of boosting democratic engagement and reducing inequalities among young people?. *Political Behavior*, 45(۲), ۵۱۱-۵۳۵.

- Nouri, H., Abdinezhad, S., & Shekarbeigi, A. (۲۰۲۴). The Role of Citizen Education and Awareness of Laws, Regulations, and Civil Rights in Observing Civil Rights During the Crime Investigation Process. *Interdisciplinary Studies in Society, Law, and Politics*, 3(۲), ۱۴۰-۱۵۷.
- Thelma, C. C. (۲۰۲۴). Civic education and citizen participation in local governance: A case of Lusaka District, Zambia. *Journal homepage: www. ijpr. com ISSN, 2582, ۷۴۲۱*.
- Wolf, K. C. (۲۰۱۷). Assessing students' civil rights claims against school resource officers. *Pace L. Rev.*, 38, ۲۱۵.
- Yousefi, H. (۲۰۲۲). Investigating the relationship between the level of citizens' awareness of civil rights and urban laws and its impact on social-civil demands. The third international conference on civil, architectural and urban engineering with an approach to the development of urban infrastructures,
- Yuliana, D. (۲۰۲۳). The Effectiveness of Civics Education in Applying Social Attitudes to Address Student Delinquency at Supian Membangun Silangkitang Vocational School. *Tugas\_ Akhir (Artikel) Prisma Sains: Jurnal Pengkajian Ilmu dan Pembelajaran Matematika dan IPA IKIP Mataram*, 11(۲), ۶۱۹-۶۳۰.